



تفکر انتقادی در آموزش حسابداری

کجای یعقوب به آیین

بیجان در نظر گرفت. مدرسه باید در اصل این هدف را دنبال کند که جوانان را نه به صورت متخصص، بلکه به عنوان شخصیهایی متعادل به جامعه تحویل دهد. به اعتقاد من، این گفته از بعضی لحاظ حتی در مدارس فنی هم که جوانان را برای حرفه‌های تقریباً مشخص پرورش می‌دهند، صادق است. اهمیت مدرسه پیش از هر چیز در عرضه قابلیت‌هایی است که تفکر و داوری مستقل را تضمین کند، نه در ارائه بعضی معلومات تخصصی. هر گاه شخصی بر مبنای اساسی موضوع مورد نظر خود تسلط یابد و در عین حال اندیشیدن و کار کردن به استقلال را هم فراگیرد، مطمئناً راه خود را خواهد یافت و افزون بر این، بهتر خواهد توانست خود را با پیشرفت‌ها و تحولات تطبیق دهد تا شخصی که آموخته‌هایش به طور عمده چیزی نیست جز بعضی معلومات در باره جزئیات تخصصی.

علوم مختلف در طی مراحل بهبود نحوه آموزش در طول تاریخ، مرحله‌ای را پشت سر گذاشته‌اند. در نگاهی کلی، قانونمندیهای مربوط به کار بهبود آموزش هر رشته علمی، مشترک بوده است.

انسانها همگی ذاتاً خواستار دانش اند.

ارسطو

آموزش علوم و پویایی روند آموزش در دوران فراگیری و همچنین استمرار این آموزش، همواره مشغولیت ذهنی متفکران بوده است. اینان با ارائه نظریه‌های مختلف یادگیری و بحث و بررسی روی علل افت بازده در حیطه خاصی از علم و مطالعه روی ساختار و ماهیت انسان و فرایند تفکر، گامهای موثری در بهبود فرایند آموزش علوم برداشته‌اند. با بررسی تاریخ علم چنین استنباط می‌شود که هر علمی در طول تاریخ، افت و خیزهایی در نحوه آموزش خود داشته و اگر در حال حاضر از وضعیت مطلوبی برخوردار است، مدیون تلاش و بررسی علل ضعف و کاستیها و به کارگیری روشهای موثر رفع آنها بوده است. کمتر اندیشمند و متفکری در تاریخ سراغ داریم که به این مهم نپرداخته باشد.

به گفته آلبرت اینشتین: "افراد انسانی را نباید همچون افزارهای

در اینجا به عنوان نمونه، از تاریخ ریاضیات و نقد روشهای آموزش آن در برهه‌ای از تاریخ مثال می‌آوریم.^۲ شیوه آموزش ریاضیات در این دوره (پیش از دوره شکوفایی یونان باستان) که تحت تاثیر شرایط اجتماعی و ماهیت کاربردی بودن ریاضیات، شکلی نسخه‌مانند و دستوری داشت. در نوشته‌هایی که از این دوره باقی مانده است، کم و بیش هیچ استدلالی دیده نمی‌شود و هیچ تلاشی در جهت قانع کردن شاگرد به درستی راه حل‌ها، انجام نمی‌گیرد، همه جا دستور می‌دهند: چنین کن! چنین خواهد شد. تنها در برخی حالتها اشاره می‌کند و یا بهتر بگوئیم فرمان می‌دهد: آزمایش کن! می‌بینی که راه حل درست است. این شیوه برخورد با راه حل‌ها ناشی از کاربردی بودن ریاضیات است که تنها به نتیجه عمل و محاسبه کار دارد و می‌خواهد با ذکر مثالها و مسئله‌های مختلف، نوعی راه حل کلی و به گونه‌ای الگوریتم ابتدایی را به شاگرد تلقین کند، تا در حالتی که ضمن عمل با آنها برخورد می‌کند، مهارت لازم را کسب کرده باشد. بدون تردید، تنظیم کننده مثالها و مسئله‌ها، خود از این راه حل‌ها آگاه بوده و به احتمال زیاد نوعی استدلال منطقی هم درباره آنها داشته است، ولی ضرورتی برای بیان آنها ندیده است و همه جا نسخه عمل را ارائه می‌دهد. از سوی دیگر، نظام اجتماعی حاکم بر جامعه هم این شیوه برخورد با راه حل‌ها و این شیوه آموزش را تحمیل می‌کرده است.

در مورد علم حسابداری نیز، جوامع حرفه‌ای دست اندرکار همواره تاکید بر اجرای برنامه‌های آموزش حرفه‌ای مستمر و بهبود روشهای آموزش داشته‌اند. برای مثال، تاکید بر استمرار آموزش حرفه‌ای از سوی **فدراسیون بین المللی حسابداران (IFAC)** و یا ماده ۱۴ اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران را ذکر می‌کنیم. در چند سال اخیر **کمیسیون تغییر آموزش حسابداری (AECC)** با تقدروشهای سنتی اقدام به تغییر روشهای آموزش حسابداری کرده است.

انجمن حسابداران رسمی امریکا (AICPA) در سده بیست و یکم دو هدف اساسی را در آموزش حسابداری مد نظر داشته است، نخست تغییر برنامه‌های آموزشی حسابداری با هدف استمرار یادگیری در طول زندگی با استفاده از مهارتهای تفکر انتقادی و حل

مسئله و دوم الزام دانشجویان حسابداری برای آموزش در زمینه فناوری اطلاعات و آشنایی با آن.

با این حال، در آموزش حسابداری کمتر به کیفیت و نحوه آموزش تاکید شده و ضعفها و کاستیهای آن، متفکران حسابداری را بر آن داشته است تا به بررسی علل آن پردازند و روشهای موثری را جهت بهبود فرایند آموزش حسابداری ارائه کنند. در راستای این بررسی، مهارتهای تفکر انتقادی و استفاده از آن در یافتن علل این ضعفها نقش عمده‌ای داشته است و به کاربرد علوم روانشناسی و فلسفه و تعریف تفکر انتقادی در شناساندن این مهارتها و به کارگیری آنها کوشش شده است.

پژوهشهای دهه اخیر گویای این است که دانش‌آموختگان حسابداری فاقد تفکر انتقادی‌اند. پژوهندگان علت این امر را، ضعف در امتحانات (CPA) در آزمون جنبه تفکر انتقادی، تحلیل و ترکیب و قضاوت حرفه‌ای دانسته و به این نتیجه رسیده‌اند که استادان حسابداری بیشتر بر حفظ اصول حسابداری بدون پرداختن به مفاهیم نظری آنها تاکید دارند.^۳

نقش علت و معلولی تفکر انتقادی در آموزش حسابداری

نقش علت و معلولی تفکر انتقادی^۴ در مقام علت، انگیزه بررسیهای انتقادی در آموزش حسابداری و یافتن ضعفها و نارساییها در امر آموزش بوده است و به کارگیری و عملی ساختن راهکارهای پیشنهادی، تفکر انتقادی را در مقام معلول ظاهر می‌سازد. ضعفهایی که در اثر آموزش حسابداری حاصل شده شامل این موارد است: تاکید صرف بر یادگیری دانش حسابداری به جای تاکید بر یادگیری و به کارگیری این دانش، تاکید بیش از حد بر روشها و عدم تاکید بر تئوری و دیدگاه آموزشی - علمی و تلقی گذراندن امتحانات (CPA) به عنوان هدف اصلی آموزش حسابداری.

این ارتباط علت و معلولی تفکر انتقادی با تعیین رابطه میان دانش حسابداری و تفکر انتقادی در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد. پژوهندگان با بررسی نقادانه، فرایند یادگیری دانش حسابداری را مورد بررسی قرار داده و راهکارهای اساسی را در دو مرحله ارائه کرده‌اند: ۱- یادگیری دانش حسابداری ۲- به کارگیری دانش حسابداری.

یادگیری دانش حسابداری

آموزش دانش حسابداری از دو جنبه کیفی و کمی مورد بررسی قرار گرفته است. از دیدگاه کیفی، وقایع نگاران به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش حسابداری در ۶۵ سال نخست سده بیستم با تاکید بر آموزش روشهای حسابداری سپری شده و هدف اساسی آموزش، گذراندن امتحانات (CPA) بوده است. پس از پذیرش حسابداری در دانشگاهها به عنوان رشته آموزشی، هدفهای آموزش آن وسیعتر و گسترده‌تر شده است، به طوری که به این باور رسیده‌اند که نقش آموزش حسابداری، ایجاد توانایی تحلیل و تاکید بر تئوری و فلسفه بوده است با این باور که تسلط و یادگیری روشهای حسابداری و حسابرسی در فرصتهای پس از دانشگاه نیز امکانپذیر خواهد بود. به رغم این نتایج، چیزی که تاسف پژوهندگان را افزوده است، تاکید روزافزون بر آموزش روشهای حسابداری به عنوان یک شغل و به بهای از دست دادن نگرش آموزشی - علمی به دانش حسابداری بوده است. طی سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ تاکید بر آماده ساختن دانشجویان برای گذراندن امتحانات (CPA) قرار داشته و یکی از شاخصه‌های آموزش حسابداری به شمار می آمده است. به دلیل پیامدهای این نوع آموزش، تعدادی از پژوهندگان خواهان تفکیک امتحانات (CPA) از برنامه آموزش حسابداری شده‌اند و تنزل آموزش حسابداری را که صرفاً به آموزش مجموعه‌ای از قواعد بدون بررسی نقادانه و اغلب بدون تفکر صورت می گیرد مورد انتقاد قرار داده‌اند. این وضعیت آموزش حسابداری باعث شده است تا دانشجویان خلاق، تمایل به انصراف از آموزش در رشته حسابداری داشته و به رشته‌ای روی بیاورند که بتواند خلاقیت ایشان را پاسخگو باشد.

از دیدگاه کمی، پژوهندگان سه عامل مهم و اساسی را در ایجاد کاستیهای آموزش حسابداری، مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند: ۱- حجم زیاد بیانیه‌های رسمی منتشر شده از سوی هیئتهای مختلف حسابداری،

۲- ساعات مشخص و محدود آموزش،

۳- تاکید و باور به یاد دادن تمام جنبه‌های فنی حسابداری.

در نهایت، بررسیها بیانگر این است که در حیطه آموزش دانش

حسابداری، هر قدر برنامه‌های درسی به طور کمی گسترش پیدا می‌کند، این توسعه به بهای از دست دادن توسعه عمقی (محتوایی) بوده و دوره‌های آموزشی به بمباران اطلاعاتی دانشجو تبدیل شده است.

به کارگیری دانش حسابداری

اغلب استادان حسابداری و نیز حسابداران در حال حاضر ضرورت به کارگیری مهارتهای تفکر انتقادی در برنامه‌های آموزش حسابداری را پذیرفته‌اند. این تغییر نگرش، گویای تغییر اساسی از تاکید صرف بر یادگیری دانش حسابداری به سوی یادگیری و به کارگیری دانش حسابداری است. به کارگیری دانش حسابداری، تاکید بر هدف یادگیری برای کاربرد آن دارد.

در ایران نیز به اهمیت این جنبه از آموزش حسابداری توجه شده و نتایج بررسی انجام شده در مورد رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و تعداد حسابداران آموزش دیده در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نیز نشان می دهد که شواهدی دال بر کیفیت برتر سیستم گزارشگری مالی در شرکتهایی که از حسابداران آموزش دیده بیشتری استفاده می کنند، نسبت به سایر شرکتهای وجود ندارد.

به نظر پژوهنده، برنامه آموزشی نامناسب و ضعف سایر عوامل نظام آموزشی یکی از مهمترین علل پایین بودن دانش و مهارت حسابداران و در نتیجه کیفیت اطلاعات مالی بوده و آموزش مکانیکی و ناقص حسابداری به شیوه حل مسئله در سطح دانشگاهها بدون تاکید بر بینش فلسفی و انتقال مفاهیم و نیز توسعه کمی این

اغلب استادان حسابداری

و نیز حسابداران

در حال حاضر ضرورت

به کارگیری مهارتهای تفکر انتقادی

در برنامه‌های آموزش حسابداری را پذیرفته‌اند

پژوهشهای دهه اخیر

گویای این است که

دانش‌آموختگان حسابداری

فاقد تفکر انتقادی اند

رشته در دانشگاهها در کنار کاستیهای موجود عوامل نظام آموزشی نظیر کمبود شدید مدرسان خبره و واجد شرایط، کمبود منابع درسی به زبان فارسی، برنامه درسی متناسب با نیازهای اجتماعی-اقتصادی امروز کشور و... از علل این ضعفها برشمرده شده است.^۵

با وجود ضرورت به کارگیری تفکر انتقادی و نتیجه‌گیریهای لازم، باید تعریفی از تفکر انتقادی به دست دهیم. برای دستیابی به مفهوم «مهارتهای تفکر انتقادی» این بحث را تحت عنوانهای، ضرورت تفکر و ماهیت آن، ویژگیها و مهارتهای تفکر انتقادی ادامه می‌دهیم.

ضرورت تفکر و ماهیت آن

به گفته امانوئل کانت: "هر گونه معرفت انسانی، از تفکر و تأمل آغاز می‌شود، از آنها به مفهومی رسد و، سرانجام، به اندیشه‌ها ختم می‌شود." اندیشه، عبارت است از درخششی ناگهانی، که نظم و ارتباط موجود بین اجزاء را روشن می‌کند، مناسب و درست بودن آنها را نشان می‌دهد و به صحنه‌ای که تا آن زمان، ابهام، پراکندگی و سردرگمی حکومت می‌کرد، روشنی می‌بخشد. از ویژگیهای یک اندیشه مفید، ناگهانی بودن آن است، اندیشه مفید عنصر مهم تازه‌ای را با خود دارد و دیدگاهها را تغییر می‌دهد. بعد از ظهور اندیشه، می‌توانیم بیشتر ببینیم: مفهومی بیشتری، چشم‌اندازی گسترده‌تر و رابطه‌هایی در جلو چشم ما قرار می‌گیرد. اندیشه، خیالی واهی و بیهوده نیست، بلکه «تفکر هدایت شده» یا «تفکر ارادی» یا تفکر بارآور^۶ است.

ماهیت تفکر چیست؟

در فلسفه، روانشناسی و سایر علوم نسبت به تفکر و ارتباط آن با

ماده و ذهن دو دیدگاه متفاوت، ایده‌آلیستی و تجربه‌گرا، وجود دارد: ایده‌آلیستهایی مانند رنه دکارت (پدر فلسفه نوین) و فیلسوفان آلمانی مانند لایب‌نیتز، کانت و هگل بر این باورند که ذهن، موضوعی فرامادی است که با جسم در تأثیر متقابل است و نتیجه می‌گیرند که تفکر مربوط به ذهن است و نه جسم و تفکر را فعالیت ذهنی گسترده‌ای می‌دانند که هنگام حل مسئله، خیالپردازی، یادآوری حقایق بروز می‌کند و حتی به قدری آن را پیچیده داشته‌اند که دانشمندان از پی بردن به آن ناامید شده‌اند. این نگرش درون‌گرایانه از تفکر، فیلسوفان را به این باور رسانده است که تفکر به معنی توالی تصورات و اندیشه‌های انسان است و تمامی انسانها در مشخصه‌های اساسی ذهن مشترک هستند.

در برابر، تجربه‌گرایانی مانند هابز، تفکر را فرایندی مادی دانسته‌اند. در این نگرش مکانیکی، تفکر همانند عمل محاسبه اعداد بوده و به جای سر و کار داشتن با اعداد به ایده‌ها می‌پردازد. بدین معنا که از ترکیب و یا کم کردن ایده‌ها از هم و مقایسه آنها با هم به نتیجه جدیدی می‌رسیم. بر اساس این نگرش، ماده می‌تواند فکر کند، پس می‌توان ماشینهای متفکر ساخت و بسیاری از روشهای حسابداری می‌تواند به طور کامل توسط رایانه انجام شود. سیستمهای اطلاعاتی الکترونیکی می‌تواند این وظایف را به طور ساده و اقتصادی انجام دهد، ولی مشکل در گردآوری اطلاعات و ثبت آنها نیست بلکه در چگونگی جمع‌بندی و تعیین رابطه میان انبوهی از اطلاعات جهت استخراج الگویی هوشمندانه برای تصمیمگیری مدیران است. از این رو، تفکر مورد نیاز در حسابداری در حد عالی است؛ یعنی ویژگی پویا دارد نه مکانیکی.

بین این دو مکتب تفکر، نظرات و تئوریهای دیگری نیز وجود دارد. برای مثال: سیستمهای فیزیولوژیکی، رفتارگرایی و ساختارگرایی که اساس نگرش مادی را در مورد تفکر صحنه گذاشته‌اند و به حق بودن مفاهیم ذهنی تفکر را نفی می‌کنند. در برابر، روانشناسی گشتالت، با این نگرش مادی مقابله و مثالهایی ارائه می‌دهد که عملکرد داخلی تفکر به طور اساسی رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نگرش امروزی در مورد تفکر از انقلاب معرفتی (شناختی) پدیدار شده که از میانه ۱۹۶۰ آغاز شده است. علم شناخت در برگیرنده

زمینه‌های مختلف شامل روانشناسی، زبان‌شناسی، روانشناسی زبان. علوم رایانه‌ای و علم عصب‌شناسی بوده و همه در هدف جستجوی «توصیف فرایند عالی ذهن» هستند.

ویژگیهای تفکر انتقادی

تفکر انتقادی یک فرایند است. یک نتیجه و پرسش از اصول موضوعه را در بر می‌گیرد. این امر، مهم است که زمینه مسائل را درک کنند (و نیز اصول موضوعه اساسی و نظام ارزش اجتماعی را). تفکر انتقادی یک فعالیت مولد و مثبت است و خلاقیت و ابتکار را در بر می‌گیرد. تخیل صورت می‌پذیرد. احتمالات و شقوق دیگر بررسی و این به تردید فکری منجر می‌شود. تغییر به سادگی پذیرفته می‌شود، نتایج اقدامات پیشینی می‌شود.

تفکر انتقادی، هم جنبه عاطفی دارد و هم جنبه عقلایی. تفکری است که کل مغز را در بر می‌گیرد و جایی که ما اصول موضوعه خود را در چارچوب عقاید و تعهدات خود و همچنین در زمینه دنیای اطراف خود تشخیص می‌دهیم، معیارهایی که کاملاً عینی نیست، بلکه بیشتر ذهنی است.

صاحبان تفکر انتقادی، کنجکاو، انعطاف‌پذیر، شریف و شکاک هستند. آنها می‌توانند تعصب را از منطق و حقایق را از عقاید تمیز دهند. آنها می‌توانند فکر را به صورتی عقلایی و هدفدار همراه با عواطف و شهود برای حرکت به سوی آینده به کار برند.^۷

تفکر انتقادی با ویژگیهای:

۱- استدلال کردن و به دنبال علل بودن،

۲- ارزیابی علتها، و

۳- در نهایت رسیدن به یک نوع خود آگاهی تعریف شده است. خود آگاهی موضوعی فراشناختی از نوع عالی تفکر است که با تغییر برنامه‌های آموزشی از یادگیری منفعلانه به یادگیری فعال و پویا در آموزش حسابداری حاصل می‌شود. و به بیانی دیگر؛ یادگیری چگونه یاد گرفتن.

به‌کارگیری موثر دانش حسابداری به این معناست که، دانش مرتبط با نیازهای اجتماعی - اقتصادی می‌باشد و خواهان ایجاد توانایی دانش‌آموختگان حسابداری در زمینه جستجوی علل و ارزیابی آنها و رسیدن به خود آگاهی است.

تواناییها (مهارتها)ی تفکر انتقادی چیست؟

مهارت را «توانایی استفاده موثر دانش یک شخص در انجام دادن کار» تعریف می‌کنند. برای فهم ماهیت توانایی باید بین عمل فکر کردن (ذهن چه می‌کند) و روشهایی که از آن پیروی می‌کند (ذهن چگونه کار می‌کند) تمایز قائل شویم. مفهوم اولی به «سطح محاسباتی» و مفهوم دومی به «سطح الگوریتمی» تفکر اشاره دارد. سطح محاسباتی بیشتر مرتبط با مهارتهای تفکر انتقادی در حیطه آموزش حسابداری است.

تفکر بدون هدف یا دارای هدف است و ساختار کلی دارد. تفکر هدفدار بر اساس چگونگی گستره مسئله بنا نهاده شده است. بدین معنا که، در تمامی موارد، برای رسیدن به هدف مسئله، یک نقطه آغاز با شرایط اولیه و مجموعه‌ای از عملیات ذهنی که باید به طور مناسب هدایت شود، وجود دارد. برای همه مراحل احتمالی عملیات، گستره‌ای وجود دارد. آنچه منتج خواهد شد، شامل مسیری است که در طول گستره مسئله از مرحله آغازین تا رسیدن به هدف پیموده می‌شود. مسیری که منجر به حل مسئله شود، مسیر موفق نامیده می‌شود.

مطابق این تحلیل، مهارت به‌کارگیری دانش حسابداری، جبری (دترمینیست) است زیرا در هر نقطه، مرحله بعدی مسیر از مرحله کنونی نتیجه خواهد شد. به کمک دانش حسابداری، مسیر گستره مسئله از مرحله‌ای به مرحله دیگر پیموده می‌شود و منجر به حل مسئله می‌شود.

بنابراین، در آموزش حسابداری، تفکر دارای ساختاری کلی است که بر ویژگیهای گستره مسئله بنا شده هنگام آموزش، مهارت محاسباتی ایجاد می‌شود.

استادان حسابداری همواره بر سطح محاسباتی تفکر تاکید دارند (ذهن چه کار می‌کند) و این کارکرد را اساس آموزش دانش حسابداری و به‌کارگیری آن می‌دانند.

برای تفکر انتقادی در آموزش حسابداری، چندین نوع از سطح محاسباتی مهارتهای تفکر وجود دارد که در زیر ارائه می‌شود.

۱- مسئله یابی

۲- حل مسئله

۳- جستجوی مفروضات

در آموزش حسابداری
کمتر به کیفیت و
نحوه آموزش تاکید شده و
ضعفها و کاستیهای آن
متفکران حسابداری را
بر آن داشته است تا
به بررسی علل آن بپردازند



انسان به طور آرمانی در جستجوی آن و یافتن نوعی هماهنگی در ساختار اندیشه انسانی است؛ در حال حاضر، وضعیت علم حسابداری با احساس فیلسوف معروف دکارت در مورد ریاضیات بی شباهت نیست: از ریاضیات لذت مخصوص می بردم از آن رو که براهینش را یقین و واضح می یافتم اما سود درستی از آن در نیافته بودم و چون نفع آن را تنها در صناعات می دیدم شگفت داشتم از اینکه بر آن بنیاد سخت استوار بنایی والاتر نساخته اند.^۸



پانوشتها:

- ۱- اینشتن، آلبرت، حاصل عمر، ترجمه ناصر موفقیان، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰، درباره آموزش و پرورش
- ۲- شهریاری، پرویز، سرگذشت ریاضیات، نشر مهاجر، چاپ دوم، ۱۳۷۹، انگیزه های پیشرفت ریاضیات
- 3- Schwartz, Bill N., Stout, David, E., V I, **Advances in Accounting Education: Teaching and Curriculum Innovations**, 1998
- ۴- منبع پیشین
- ۵- نوروش، ایرج، بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و تعداد حسابداران آموزش دیده در واحدهای تجاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، سال ششم، شماره ۲۴ و ۲۵، تابستان و پاییز ۱۳۷۷
- ۶- پولیا، جورج، **خلاصیت ریاضی**، ترجمه پرویز شهریاری، موسسه فرهنگی فاطمی، چاپ ششم، ۱۳۸۰
- ۷- شریعتمداری، علی، نقد و خلاصیت در تفکر، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰
- ۸- فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۶۱، گفتار در روش درست راه بردن عقل و جستجوی حقیقت در علوم، دکارت

- ۴- فرضیه سازی
- ۵- آزمون فرضیه
- ۶- تفسیر نتایج
- ۷- تلخیص
- ۸- نتیجه گیری
- ۹- تحلیل حساسیت
- ۱۰- تشخیص
- ۱۱- طراحی پروژه ها
- ۱۲- پاسخ به انتقادات
- ۱۳- نوشتن
- ۱۴- گوش کردن
- ۱۵- بیان شفاهی
- ۱۶- ترکیب
- ۱۷- مشاهده
- ۱۸- مقایسه
- ۱۹- طبقه بندی

این فهرست شامل مهارتهای مهمی است که استادان حسابداری آنها را در آموزش حسابداری اساسی می دانند.

با در نظر گرفتن مفاهیم و تئوری حسابداری که طی تحقیقات شناسایی شده و پیوند این مفاهیم و تئوری با سایر علوم و دیدگاههای انسانی و تلاشی که در جستجوی حقیقت صورت می گیرد و مقایسه آنچه در واقع امر حقیقت به شمار می آید و آنچه